**تحليل مصاديق اساسي ترك فعل و تخلفات دستگاه‏هاي اجرايي در حوزه توسعه روستايي**

**معاونت مطالعات زیربنایی**

**كد موضوعي: 250**

**شماره مسلسل: 17739**

**شهریورماه 1400**

**به نام خدا**

**فهرست مطالب**

[چکیده 1](#_Toc76482069)

[مقدمه 2](#_Toc76482070)

[وضعیت نگران‏كننده و چالش‏های اساسی نواحی روستایی و عشایری 3](#_Toc76482071)

[ترك فعل و اقدام‌هاي خلاف قانون دستگاه‏هاي اجرايي 7](#_Toc76482072)

[جمع‌بندي و پیشنهادها 19](#_Toc76482073)

[منابع و مآخذ 22](#_Toc76482074)

**تحليل مصاديق اساسي ترك فعل و تخلفات دستگاه‏هاي اجرايي در حوزه توسعه روستايي**

# چکیده

بررسي عملكرد دستگاه‌هاي اجرايي درخصوص برخي از تكاليف اساسي در اسناد بالادستي، قوانين دائمي و قانون برنامه ششم توسعه در حوزه توسعه روستايي حاكي از بروز اهمال‌كاري‌ها، تخلفات و ترك فعل‌هاي اساسي توسط دستگاه‌ها به اين شرح است:

 **1.** استنكاف سازمان اداری و استخدامی از اجراي تكليف جزء «3» بند «ب» ماده (27) قانون برنامه ششم در زمينه تحقق مديريت جهادي در نواحي روستايي و عشايري،

 **2.** ترک فعل سازمان برنامه و بودجه در شفاف‌سازي اعتبارات مربوط به امور روستايي و عشايري برخلاف جزء «2» بند «الف» ماده (27) قانون برنامه ششم توسعه،

 **3.** ترک فعل دولت (وزارت امور اقتصادي و دارايي) در كاهش مدت‌زمان صدور مجوزهای شروع بنگاه‏های اقتصادی روستاها به حداكثر 15 روز، علي‌رغم تصريح جزء «3» بند «الف» ماده (27) قانون برنامه ششم توسعه،

 **4.** ترک فعل وزیر جهاد کشاورزی از عمل به مواد (1) و (2) قانون تشکیل وزارت جهاد کشاورزی مصوب 06/10/1379،

 **5.** اقدام خلاف قانون معاون ریاست‌جمهوری در تعیین متولی امور روستاها در قالب بخشنامه،

 **6.** تخطی و تخلف شورای‌عالی اداری در اجرای جزء «3» بند (ب) ماده (27) قانون برنامه ششم مبنی‏بر یکپارچه‏سازی امور کشاورزی، روستایی و عشایری،

 **7.** اجرای ناقص و عدم اثربخشي اقدامات دولت در ترویج مهاجرت معکوس (از شهر به روستا) از طریق توزیع مناسب جمعیت و منابع و ایجاد شغل و سکونتگاهی مناسب در روستاها، برخلاف تكليف جزء «2» بند «پ» ماده (80) قانون برنامه ششم توسعه،

**8.** انحراف و تخلف در اجراي قانون اشتغال پايدار روستايي، عشايري و شهرهاي زير 10 هزار نفر جمعيت.

در صورتي كه به اين سهل‌انگاري‌ها و تخلفات دستگاه‌هاي اجرايي به‌نحو مناسبي رسيدگي نشود، نواحي روستايي به‌ويژه از منظر حفظ هويت و كاركرد توليدي، بيش از پيش در معرض تهديد جدي قرار مي‌گيرند. لذا با توجه به اهميت راهبردي نواحي روستايي و عشايري در تأمين امنيت غذايي جامعه و تحقق سياست‌هاي كلي اقتصاد مقاومتي، شايسته است پيگيري ترك‌ فعل‌ها و تخلفات صورت‌گرفته توسط دستگاه‌هاي اجرايي مذكور، در دستور كار مجلس شوراي اسلامي به‌عنوان نهاد ناظر بر اجراي صحيح و كامل قوانين و مقررات قرار گيرد.

# مقدمه

نواحي روستايي و عشايري، به‌عنوان كانون توليد و ارزش‌آفريني كشور، بسترساز اصلي تحقق سياست‌هاي كلي اقتصاد مقاومتي و تأمين امنيت غذايي جامعه محسوب شده و به همین سبب از نقش و جايگاه راهبردي در حفظ استقلال سياسي-اقتصادي كشور و به‏طور کلی توسعه عدالت‌محور برخوردارند. با وجود اين، بررسی‏های میدانی و شواهد موجود نشان می‏دهد، نواحي مذكور در طول ساليان گذشته با چالش‌های اساسی و متعدد در ابعاد مختلف مديريتی، نهادي، فرهنگي، زيرساختي، فضايي و غیره مواجه بوده‏اند. چالش‏هاي مذكور، اين نواحي را در وضعيت بغرنج و بحراني قرار داده است. محروميت روستاها از امكانات مناسب بهداشتي-آموزشي، تشديد شكاف درآمدي و طبقاتي، گسترش فقر و بيكاري و نتیجتاً تخليه جمعيتي روستاها، نمونه‌هايي از مصادیق وضعيت بحراني نواحي روستايي و عشايري به‌شمار مي‌روند. ازاين‌رو، در گزارش حاضر به‏طور خلاصه به بیان برخي چالش‌هاي بحراني نواحي روستايي و عشايري و تكاليف مربوط در قانون برنامه ششم توسعه و اقدامات دولت درخصوص این تکالیف‌ پرداخته شده است.

# وضعیت نگران‏كننده و چالش‏های اساسی نواحی روستایی و عشایری

یکی از مهم‌ترین مصادیق وضعیت بحرانی نواحی روستایی و عشایری كشور، کاهش روزافزون جمعيت این نواحی طي دهه‌هاي گذشته و درنتيجه، عدم توزيع متوازن جمعيت در پهنه سرزمين است. به‏طوری که سهم جمعیت روستایی و عشایری از جمعیت کل کشور طي دوره 1399-1335 حدود 64 درصد کاهش داشته و از 69 درصد در سال 1335 به 6/24 درصد در سال 1399 رسيده است (مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری سال‌های ۱۳۳۵- ۱۳۹۹) طبق پیش‏بینی مرکز آمار ایران برای دوره 1415-1400، سهم جمعیت روستایی و غیرساکن (عشايري) از جمعيت ايران، به رقم نگران‌كننده كمتر از 20 درصد در سال 1415 كاهش پيدا خواهد كرد. برآورد سازمان ملل نیز نشان می‏دهد که تا سال 2050، سهم جمعيت روستايي از جمعيت كل ايران، تنها به 16 درصد خواهد رسيد و **ایران کشور دهم دنیا از نظر میزان كاهش جمعيت روستايي در دوره 2050-2018 خواهد بود. (سازمان ملل، ۲۰۱8- ۲۰۱۹)** بخش قابل‌توجهي از اين كاهش، ناشي از مهاجرت‏هاي بي‏رويه است كه آن نيز به‏نوبه خود حاصل سياست‏هاي اجرايي تمركزگرا و ضد توسعه روستايي است. هرچند مهاجرت، در حالت مديريت‏شده يكي از راهبردهاي توسعه روستايي ارزيابي مي‏شود، ولي شواهد نشان‏دهنده آن است كه اين پديده، تحت مديريت و هدايت صحيح نيست و علاوه‌بر تخليه روستاها از نيروي كار جوان و تضعيف هويت روستاها، سبب ايجاد هزينه‏هاي ملي مي‏شود. بنابر آمار طرح جامع مسكن (1405-1396)، در سال 1395 تعداد 11 میلیون نفر جمعيت در حاشيه شهرها اقامت گزيده‏اند. برآورد هزينه‏هاي‏ ايجاد زيرساخت‏هاي جديد از نظر راه، سيستم‏هاي آب و فاضلاب، مدارس، فضاهاي بهداشتي، تخريب محيط‏زيست ناشي از بارگزاري بيش از حد جمعيت و تنش‏هاي اجتماعي در سكونتگاه‏هاي غيررسمي، مي‏تواند تنها بخشي از هزينه‏هاي تمركزگرايي و دور باطل جمعيت-پول را در كشور مشخص كند. ‏

همراه با کاهش و رشد منفی جمعیت روستانشین کشور، تعداد آبادي‌‌هاي خالي از سکنه طی دوره 1395-1345، حدود 121 درصد رشد داشته و از 15925 آبادي در سال 1345 به 35254 آبادي در سال 1395 رسیده است. همچنین سهم آبادی‏های بیش از 100 نفر جمعیت از کل آبادی‏های کشور از 5/62 درصد در سال 1335 به 9/56 درصد در سال 1395 کاهش داشته است.

خالی از سکنه شدن روستاها از یک نظر به مفهوم افزایش بی‏رویه مهاجرت‏های روستا-شهری به‏ویژه ازسوی جوانان و تحصیلکردگان است. به‌دنبال خروج جمعیت جوان و فعال اقتصادی از روستاها، پیری و سالخوردگی جمعیت در مناطق روستایی و عشايري (نسبت جمعيت 65 ساله و بيشتر به كل جمعيت در نواحي روستايي و عشايري)، سایه افکنده است. آمار نشان می‏دهد سهم جمعیت روستایی سالخورده از 18/4 درصد در سال 1338، به 81/6 درصد در سال 1395 رسیده كه حاكي از **پيرتر شدن جمعيت روستايي و عشايري به ميزان 63 درصد دارد (مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری و سرشماری نفوس و مسکن طی سال‌های ۱۳38- ۱۳95)** **طبق برآورد مرکز آمار ايران، در سال 1415 حدود 12 درصد جمعیت روستایی کشور سالخورده (سنین 65 سال و بالاتر) خواهد بود که نسبت به آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال 1395 (8/6 درصد)، حدود دو برابر رشد خواهد داشت.**

علاوه‏بر موارد مذکور، سبك زندگي روستايي نیز به لحاظ بُعد خانوار و فرهنگ تولیدی تغييرات جدي يافته و بيشتر به سمت تبعیت از فرهنگ شهرنشيني (مصرف‏گرایی) و كاهش جمعيت خانوار پيشروي كرده است. آمار نشان می‏دهد، طي سال‌هاي 1395-1365، به‌طور متوسط تعداد افراد هر خانوار روستايي از 4/5 نفر به 4/3 نفر يعني نزديك به بعد خانوار شهري (3/3 نفر در سال 1395) رسيده است .(سرشماری نفوس و مسکن، سال‌های ۱۳65- ۱۳95) نفوذ فرهنگ شهرنشینی در نواحی روستایی به‌حدی است که حتی برخی از روستايیان بخشی از نیازهای مصرفی مانند آرد و نانشان را هم از شهرها تأمین می‏کنند. مسکن روستایی، ظاهر، بافت و ساختار سنتی، تولیدی و گردشگرپذیر خود را از دست داده و کم‏کم حالت نماهای شهری را پیدا می‏کنند.

آمارها و موارد مذکور به‏خوبی گواه می‏دهند، نواحی روستایی و عشایری که کانون اصلی و هسته مرکزی تولید به‏ویژه مواد غذایی در کشور هستند، رفته‏رفته کارکرد تولیدی خود را از دست می‏دهند و به سكونتگاه‏هاي غیرمولد، مصرف‏گرا، شيك، شهري و اقامتگاه‌های تفریحی برای شهرنشینان متمول تبدیل می‏شوند. این امر از منظر تأمین امنیت غذایی و نيز ميراث فرهنگي هزاران ساله، کشور را در وضعیت خطرناکی قرار خواهد داد.

در کنار وضعیت بحرانی و نگران‏کننده نواحی روستایی و عشایری، یکسری چالش‏های اساسی وجود دارد که می‏تواند مانعی برای برون‏رفت از این وضعیت و رشد و شکوفایی این نواحی براساس الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت و عدالت باشد. برخی از این چالش‏ها عبارتند از:

* عدم كفايت اعتبارات مربوط به امور روستايي و عشايري در بودجه عمومي برای تامین نیازهای اساسی روستائیان و عشایر و فراهم‌سازي زيرساخت‌هاي توليدي و اشتغالزايي علي‌رغم سهم 26 درصدي اين نواحي از توليد ناخالص داخلي كشور و سهم 25 درصدي آنها از جمعيت كشور؛ وجود شکاف روستا-شهری در زمینه بسیاری از خدمات عمومی ناشي از همین موضوع است.
* اختصاص حدود 70 درصد از اعتبارات توسعه روستایی و عشایری در بودجه‏های سنواتی، به امور كالبدي ـ فيزيكي ـ خدماتي و غفلت آشکار از موضوعات اشتغال، اقتصاد و فرهنگ روستا،
* انزوای جغرافیایی مناطق روستایی و متعاقب آن، عقب‏ماندگی و محروميت از دستیابی مناسب به خدمات به‏ویژه امکانات بهداشتی-آموزشي،
* پایين بودن قدرت چانه‏زنی و صدای روستایيان و عشایر در مجامع و كانون‏هاي سياستگذاري،
* در اولویت قرار داشتن شهرها برای دستگاه‏های اجرایی و غفلت از مسائل روستاها و مناطق عشايري،
* سردرگمی روستاییان در پیگیری نیازها، مسائل و مشکلات خود بین دستگاه‏های اجرایی مختلف،
* سردرگمي نمایندگان مجلس شورای اسلامی به‏عنوان نماینده‏های مردم در رسیدگی و مطالبه‏گری حقوق روستاییان و عشایر بین حداقل 16 وزارتخانه و معاونت ریاست‌جمهوری که قطعاً می‏تواند موجب اتلاف وقت و به نتیجه نرسیدن پیگیری‏ها شود،
* سیاستگذاری و تدبير امور روستایی با ضوابط و رویکردهای شهری؛ به‏دلیل عدم اشراف و شناخت كافي مسئولان و کارشناسان دستگاه‌های اجرایی نسبت به ماهیت و کارکردهای متفاوت روستاها؛ مانند گره زدن منابع درآمدی دهیاری‌ها به عوارض ناشی از ساخت‌وساز و تراکم‌فروشی به مانند شهرداری کلان‌شهرها،
* فقدان برنامه‏ریزی محلی و غیرمتمرکز برای توسعه روستایی و عشایری و طراحي پروژه‏هاي روستاها و مناطق عشايري بدون اطلاع و آگاهی مناسب و ميداني از نیازها، ترجیحات و مشکلات مربوطه،
* فقدان توانمندی مدیریت محلی روستایی (دهیاری و شورای اسلامی) در زمینه برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی روستاها،
* عدم نظارت‏پذیری بر فعالیت‏ها و عملکرد معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم رياست‌جمهوري.

**ترك فعل و اقدام‌هاي خلاف قانون دستگاه‏هاي اجرايي**

فارغ از چالش‏های مذکور، بررسی عملکرد دولت درخصوص انجام تکالیف مربوط به توسعه روستایی و عشایری در اسناد بالادستي، قوانین دائمی و قانون برنامه ششم توسعه به‌ويژه مواد (26) و (27)، نشان داد كه برای اغلب تکالیف، گام اجرایی مناسبی برداشته نشده و اقدام‌هاي انجام‏ شده نیز چندان اثربخش نبوده است. از طرفي بعضاً ضوابطي از سوي دستگاه‌هاي اجرايي صادر شده كه برخلاف قوانين موضوعه مصوب است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین تکالیف مربوط در قانون برنامه ششم توسعه که اقدام مناسبی ازسوی دولت انجام نشده، در 2 بخش جداگانه تحت عناوين «ترك فعل‌ها» [[1]](#footnote-1)و «انحرافات و تخلفات» اشاره می‏شود.

**الف) ترك‌فعل‌ها**

**1. ترک فعل سازمان برنامه و بودجه در شفاف‌سازي اعتبارات مربوط به امور روستايي و عشايري**

درحال حاضر بودجه‏های مربوط به امور روستایی و عشایری در قوانین بودجه سنواتی در قالب فصول مختلف از‌جمله «بیمه‌های اجتماعی»، «بهداشت»، «درمان»، «انرژي»، «آموزش فنی‏وحرفه‏ای و مهارت‏آموزی»، «ورزش و تفريحات»، «ميراث فرهنگي»،‌ «آب و فاضلاب»‌، «حمل‌ونقل» و «فصل ارتباطات و فناوري اطلاعات» پراكنده شده و وزارتخانه‌ها و نهادهای گوناگونی، بدون هماهنگی، نظارت و برنامه‏ریزی، عهده‌دار این تکالیف و وظایف هستند.

مضاف بر این، برخی طرح‏ها و برنامه‏ها مانند «برنامه ارائه خدمات شهری و روستایی»؛ «برنامه توسعه عمرانی شهری و روستایی»؛ «برنامه حمل‌ونقل شهري و روستايي» و «برنامه ارائه خدمات آب شهري و روستايي»، بین نواحی شهری و روستایی مشترک بوده و تفکیک آنها به‌دلیل عدم شفافیت بودجه غیرممکن است و این عدم شفافیت، امکان نظارت همه‏جانبه بر عملکرد و اثربخشی اعتبارات مذکور بر تغییر میزان شاخص‏های توسعه روستایی و عشایری ازجمله فقر، نرخ بیکاری، تولید ناخالص داخلی و غیره را از بین برده است.

در همين راستا، در **جزء «2» بند «الف» ماده (27)** قانون برنامه ششم توسعه، سازمان برنامه و بودجه مكلف به «تنظیم و ارائه هدفمند و شفاف اعتبارات مربوط به عمران و توسعه روستایی و عشایری در بودجه سنواتی، تحت پیوست مستقلی با عنوان «عمران و توسعه روستایی» و اختصاص بودجه عمراني مربوط به این فصل» شده است، ولی با گذشت بیش از 4 سال از اجرای قانون برنامه ششم توسعه، علی‏رغم اینکه اجراي اين تكليف، بار مالی چندانی هم ندارد، هیچ اقدام عملی ازسوی سازمان برنامه و بودجه در این‌خصوص انجام نشده است.

**2. ترک فعل دولت در كاهش مدت زمان صدور مجوزهای شروع بنگاه‏های اقتصادی روستاها**

یکی از تکالیف دولت در راستای بهبود فضای کسب‏وکار و سرمایه‏گذاری در نواحی روستایی و عشایری در قانون برنامه ششم توسعه، «کاهش مدت زمان پاسخ به استعلام‌ها و صدور پروانه ساخت بنگاه‏های اقتصادی روستایی و عشایری از هرکدام از دستگاه‏های ذی‌ربط، به حداکثر پانزده روز» است که در **جزء «3» بند «الف» ماده (27)**، مورد تأكيد واقع شده است. بررسی‏های میدانی حاکی از عدم تحقق این تکلیف در نواحی روستایی و عشایری دارد. به‏طوری‏که درحال حاضر متقاضیان برای راه‏اندازی يك كسب‌وكار در زيربخشي مانند گاوداري صنعتي، به حدود 17 دستگاه مختلف مراجعه می‏کنند که در اغلب موارد اخذ تمامی مجوزها و استعلامات، حدود یک الی دو سال زمان می‏برد.

در مثال دیگر، طبق مستندات سازمان برنامه و بودجه كشور در مورد عملکرد قانون «حمایت از توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی» مصوب 19/06/۱۳۹۶، متوسط زمان صرف شده از زمان ثبت درخواست متقاضي تا پرداخت تسهیلات ازسوي مؤسسات عامل، طبق آیین‏نامه اجرایی این قانون حداکثر باید 57 روز طول می‏کشید. علاوه‌بر اينكه زمان تعيين‏شده مذكور، مغاير با حداكثر 15 روز تعيين شده در قانون برنامه ششم توسعه است، گزارش نظارتي سازمان برنامه و بودجه نشان مي‏دهد، متوسط زمان صرف شده از زمان ثبت درخواست متقاضي تا پرداخت تسهیلات ازسوي مؤسسات عامل در عمل حدود 5/93 روز طول کشیده است. تعدد ضوابط و دستورالعمل‏ها، رویکرد سختگیرانه دستگاه‏ها و اخذ استعلام‏های غیرضرور، عدم هماهنگی بین مراجع صدور مجوز و عدم التزام عملی آنها برای الکترونیکی کردن فرایند صدور مجوزها و خلأ قانونی در الزام دستگاه‏های اجرایی به بارگزاری تمامی اطلاعات مکانی و نقشه‏های محدودیت‏ها و ممنوعیت‏ها در سامانه‏های پنجره واحد، ازجمله دلایل طولانی و هزینه‏بر شدن صدور مجوزها برای متقاضیان شده است. این درحالی است كه درحال حاضر در بیشتر کشورها حتي كشورهايي كه روزگاري نظام كمونيستي و اقتصاد كاملاً دولتي داشتند، شروع كسب‏وكار در عرض كمتر از هفت روز امكانپذير شده است.

**3. استنكاف سازمان اداری و استخدامی از اجراي تكليف قانون برنامه ششم در زمينه تحقق مديريت جهادي در نواحي روستايي و عشايري**

درحال حاضر تدبير امور روستايي، عشايري و كشاورزي کشور بین حداقل 16 وزارتخانه و معاونت رياست‌جمهوري پراکنده شده است که با کمترین تعامل و هماهنگي،‏ براي توسعه نواحی روستایی و عشایری تصميم‌گيري می‏کنند. در حقيقت، نظام سیاستگذاری و مدیریت توسعه روستایی و عشایری گرفتار نوعی نابساماني و آشفتگي است. به‏منظور رفع این نابسامانی، در **جزء «3» بند «ب» ماده (27)** قانون برنامه ششم توسعه،بر ايجاد يكپارچگي در نظام سياستگذاري و مديريت توسعه روستايي، عشايري و كشاورزي و مدیریت آنها با رویکرد جهادی و نظارت‌پذیر و ایجاد یکپارچگی برنامه‌ریزی و ارائه خدمات و طرح‌های روستایی و عشایری در قالب برنامه‌های جامع، براساس نیازها و مشارکت واقعی مردم و شرایط انسانی، طبیعی، اقتصادی و اجتماعی، تا پايان سال اول اجرای قانون مذكور، تأكيد و تصريح شده است. ولي با وجود گذشت بيش از 4 سال از تصويب قانون برنامه ششم توسعه، دولت هيچ اقدامي براي اجراي اين تكليف انجام نداده است.

البته تكليف قانوني در زمينه تحقق توسعه متوازن و يكپارچه روستايي و عشايري، به قانون برنامه ششم توسعه محدود نمي‌شود و در سال 1384 نيز با تصويب **«قانون الزام دولت به توسعه متوازن روستايي»** در تاريخ 15/09/1384، دولت مكلف شد در اجراي ماده (19) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي جمهوري اسلامي ايران مصوب 11/6/1383، تمهيد قانوني لازم جهت تعيين متولي سياستگذاري، برنامه‌ريزي و نظارت بر توسعه متوازن روستايي را ظرف مدت سه ماه مشخص نمايد. ولی عملاً بعد از گذشت 16 سال از تصویب قانون، هیچ اقدام عملی ازسوی دولت برای این تکلیف انجام نگرفته است.

**4. ترک فعل وزیر جهاد کشاورزی از عمل به مواد (1) و (2) قانون تشکیل وزارت جهاد کشاورزی مصوب 06/10/1379**

طبق مواد (1) و (2) قانون تشكيل وزارت جهاد كشاورزي، کليه مسئوليت‏ها و اختيارات مربوط به وزیر و وزارت جهاد سازندگی که قبل از ادغام عهده‏دار تمامی امور سیاستگذاری و برنامه‏ریزی عمران و توسعه روستایی بود، به وزیر و وزارت جهاد کشاورزی محول گردیده و این وزارتخانه متولي اصلي عمران و توسعه روستاها و مناطق عشایری تعيين شده است. با وجود این، وزارت جهاد کشاورزی برخلاف نص صریح قانون، در طول این سال‏ها، صرفاً خود را متولی امور کشاورزی آن‌هم تولید محصولات خام کشاورزی می‏داند و تقریباً نسبت به پیگیری امور عمران و آبادانی نواحی روستایی بی‏تفاوت است. تا این حد که در ساختار سازمانی وزارت جهاد کشاورزی هیچ واحدی برای رسیدگی و پیگیری امور روستاها تعبیه نشده است. درحالی که براساس مشروح مذاکرات تشکیل وزارت جهاد کشاورزی در سال 1379، در ادغام وزارت‏ جهاد سازندگی با وزارت کشاورزی، توجه همزمان به توسعه روستایی و بخش کشاورزی مطرح بود، ولي پس از ادغام، اين مسئله به‌صورت غيرقانوني مورد غفلت قرار گرفت. توسعه روستايي و توسعه كشاورزي، لازم و ملزوم يكديگر بوده و تجارب اغلب كشورها، نشان‏دهنده مديريت هماهنگ و يكپارچه اين دو مقوله در يك نهاد است.

استنکاف وزارت جهاد کشاورزی از پیگیری امور روستایی در طول این سال‏ها، موجب شده است، امور روستاها بین دستگاه‏های اجرایی مختلف پراکنده شده و این دستگاه‏ها بدون هماهنگی و تعامل با یکدیگر و حتی وزارت جهاد کشاورزی و بدون چشم‏انداز و شاخص‏های مشخص، به‏صورت جزیره‏ای در مورد توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، کالبدی-فضایی و محیط زیستی نواحی روستایی تصمیم‏گیری کنند.

**ب) انحرافات و تخلفات**

**1. اقدام خلاف قانون معاون ریاست‌جمهوری در تعیین متولی امور روستاها در قالب بخشنامه**

همانگونه كه پيشتر اشاره گشت، طبق مواد (1) و (2) قانون تشكيل وزارت جهاد كشاورزي مصوب 06/10/1379، وزارتخانه مذكور مسئول و متولي اصلي عمران و توسعه روستايي قلمداد شده است. ولي معاون اول رئيس‌جمهور طي اقدام خلاف قانون مذكور و با استناد غلط به آیین‏نامه اجرایی ماده (194) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه کشور مصوب 18/01/1392 هيئت وزيران به شماره ابلاغیه 30661/ت48947هـ، طی بخشنامه‌اي به شماره 33235/48947، مرکز توسعه روستايي و مناطق محروم وقت (كه در سال 1393 به معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم کشور تغییر نام یافته است) را به‌عنوان مسئول سياستگذاري، راهبري، نظارت و برنامه‏ريزي روستايي تعيين كرد.

این درحالی است که **اولاً** با وجود جاري بودن قانون تشكيل وزارت جهاد كشاورزي، تعيين متولي جديد براي توسعه روستايي كشور نيازمند اصلاح قانون مذكور يا تصويب قانون جديد در مجلس شوراي اسلامي است و نمی‏توان از طریق صدور آیین‏نامه یا بخشنامه در این‌خصوص تصمیم‏گیری کرد**. ثانیاً** در آیین‏نامه مذکور در هيچ موردي متولی توسعه روستایی کشور تعیین تکلیف نشده و حتی مركز توسعه روستايي و مناطق محروم وقت نیز صراحتاً به‌عنوان متولي توسعه روستايي تعيين نگرديده و ساختار آن به‌عنوان مسئول امر روستاها تشريح نشده است.

از آنجايي که مطابق اصل هشتادوپنجم قانون اساسی، مصوبات دولت نباید مخالفتی با قوانین و مقررات عمومی کشور داشته باشد و همچنین اصل صدوسی‏وهشتم قانون اساسی تصریح می‌نماید که مفاد مصوبات هیئت وزیران و وضع آیین‏نامه و بخشنامه اختیاری نباید در حدود مقررات، با متن و روح قانون مخالف باشد، لذا هم آیین‏نامه اجرایی ماده (194) قانون برنامه پنجم توسعه و هم بخشنامه شماره 33235/48947 به‌دليل مغايرت مذكور از نظر حقوقي قابل اعتنا نيستند. لذا تصمیم معاون اول مبنی‌بر تعیین مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم وقت به‌عنوان متولی توسعه روستایی در تضاد آشكار با مواد (1) و (2) قانون تشكيل وزارت جهاد كشاورزي مصوب 06/10/1379 قرار دارد.

لازم به ذكر است كهمعاونت توسعه روستايي و مناطق محروم رياست جمهوري، معاونت محدود ستادي با نيروي انساني بسيار اندك بوده و كادر متخصص کافی در حوزه توسعه روستايي ندارد. اين معاونت فاقد بدنه و پيوستگي سازماني تا سطح محلي است و لذا نمي‏تواند به سياستگذاري، توانمندسازي، برنامه‌ريزي، تدوين راهبردها و مديريت جمعيت روستايي 21 ميليوني کشور با اقليم، فرهنگ و اقتصاد متفاوت بپردازد.

**2. تخطی و تخلف شورای‌عالی اداری در اجرای جزء «3» بند (ب) ماده (27) قانون برنامه ششم مبنی‏بر یکپارچه‏سازی امور کشاورزی، روستایی و عشایری**

شورای‌عالی اداری کشور به استناد وظایف و اختیارات مندرج در بند «7» ماده (115) قانون مدیریت خدمات کشوری، بنا به پیشنهاد مشترک سازمان اداری و استخدامی کشور و معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم معاون اول رئیس‌جمهور، با استناد غلط به جزء «3» بند «ب» ماده (27) قانون برنامه ششم توسعه، مصوبه‏ای به شماره 30937 در مورخ 1/2/1399 به تصویب اعضای شورا رساند که موضوع آن تشکیل «شورای‌عالی عشایر و توسعه روستایی» از تغییر عنوان شورای‌عالی عشایر است. رئیس شورا، معاون اول رئیس‌جمهور و دبیرخانه شورا، معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم تعیین شده است. این درحالی است که سپردن هماهنگي امور سیاستگذاری توسعه روستایی به شورای‌عالی زیر نظر معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم که خود به‌صورت غیرقانونی به عنوان متولي تعيين شده، با جزء «3» بند «ب» ماده (27) قانون برنامه ششم توسعه مغايرت دارد.

جزء مذكور بر یکپارچه‏سازی سیاستگذاری و مدیریت امور روستایی، عشایری و کشاورزی در کنار هم تأکید دارد و استناد به این جزء به‏عنوان مبنای تشکیل شورای‌عالی عشایر و توسعه روستایی که در بهترین حالت صرفاً امور روستایی و عشایری را بدون توجه به بخش كشاورزي مد نظر قرار داده است، اساساً غلط بوده و با مفاد جزء مذکور تناسخی ندارد. شايان ذكر است كه جزء «3» بند «ب» ماده (27) قانون برنامه ششم علاوه‌بر يكپارچگي بين امور مذكور، بر نظارت‏پذيري ساختار توسعه روستايي تأكيد كرده است؛ درحالي كه شوراي عالي به هيچ وجه در قبال نهادهاي نظارتي به‏خصوص مجلس شوراي اسلامي نمي‏تواند پاسخگو باشد.

مضاف بر موارد فوق‏الذکر، «قانون انتقال قسمتی از وظایف و اختیارات وزارتخانه‌های راه و ترابری و بهداری و بهزیستی به وزارت کشاورزی و عمران روستایی و تشکیل شورای هماهنگی عمران روستایی» مصوب 21/5/1358 شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، به‌منظور ایجاد هماهنگی و وحدت برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در اجرای کلیه اقدامات عمران روستایی که توسط سایر وزارتخانه‌ها (بجز کشاورزی و عمران روستایی) اجرا‌ می‌شود، تشکیل شورایی تحت عنوان **«شورای هماهنگی عمران روستایی»** به ریاست ‌وزیر کشاورزی و عمران روستایی وقت را پیش‌بینی کرده است. تعیین خط‌مشی و سیاست اجرایی برنامه عمران روستایی کشور، هماهنگی در تعیین اولویت نیازهای عمران روستایی کشور و تعیین خط‌مشی در تنظیم بودجه و اعتبارات عمران روستایی کشور براساس نیازهای تعیین شده، ازجمله وظایف این شورا تعیین شده است. **لذا درواقع، شورای‌عالی عمران و توسعه روستایی قبلاً طبق قانون تشكيل شده و مصوبه شماره 30937 شوراي‌عالي اداري مغاير با قانون مذكور و قانون برنامه ششم توسعه است.** همچنين مصوبه مذكور با بند «20» سياست‌هاي كلي برنامه ششم توسعه و بند «9» سياست‌هاي كلي نظام در بخش كشاورزي كه بر مدیریت یکپارچه توسعه روستایی و عشایری و بخش کشاورزی به‏صورت توأمان تأكيد دارند، در تعارض است.

**3. اجرای ناقص و عدم اثربخشی اقدام‌هاي دولت در تثبيت جمعيت روستايي و عشايري و ترويج مهاجرت معكوس (از شهر به روستا)**

با توجه به کاهش روزافزون جمعيت روستايي و عشايري كشور، در **جزء «2» بند «پ» ماده (80)** قانون برنامه ششم توسعه بر تکلیف دولت مبنی‏بر بهبود کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی و ترویج مهاجرت معکوس به مناطق روستايي از طریق آمایش سرزمین، توزیع مناسب جمعیت و منابع و جلوگیری از بروز و تشدید آسیب‌های اجتماعی در این مناطق با ایجاد شغل و سکونتگاهی مناسب در روستاها تأكيد شده است. ولي براساس گزارش سازمان برنامه و بودجه در سال‌هاي 1396، 1397 و 1398، اقدام‌هاي دولت بيشتر حول محور بهبود وضعیت سکونتگاه‏های غیررسمی و مناطق حاشیه‏نشین بوده و در‌خصوص تثبیت جمعیت روستایی و ترویج مهاجرت معکوس اقدام چشمگيري از‌سوی دولت گزارش نشده است (مركز پژوهش‌هاي مجلس شوراي اسلامي، 1400). کاهش مطلق 55/0 درصدی جمعیت روستایی و غیرساکن کشور طی دوره 1400-1392 و رسیدن از حدود 20.687.000 نفر در سال 1392 به حدود 20.575.000 نفر در سال 1400، به‏وضوح نشان می‏دهد، اقدام‌هاي دولت‏های یازدهم و دوازدهم حداقل در تثبیت جمعیت روستایی اثربخش نبوده است.

البته عدم پيش‌بيني اهداف كمي با زمانبندي مشخص براي تحقق تكاليف موردنظر در جزء «2» بند «پ» ماده (80) قانون برنامه ششم توسعه به‌ويژه افزايش مهاجرت معكوس، امكان ارزيابي دقيق و درست از عملكرد قانون را با مشكل مواجه مي‌كند كه ضرورت دارد در تدوين و تصويب قوانين و مقررات به‌ويژه قوانين برنامه‌هاي پنجساله توسعه آتی مطمح نظر نمايندگان مجلس شوراي اسلامي قرار گيرد.

**4. تخلف و انحراف جدی در اجرای قانون «حمایت از توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی» مصوب 19/06/۱۳۹۶**

براساس قانون فوق مقرر شده بود با هدف ايجاد 167 هزار شغل در مناطق روستايي، معادل ریالی 5/1 میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ملی نزد مؤسسه‌هاي عامل سپرده‌گذاری و با **تلفيق منابع هر مؤسسه عامل برابر با سهم صندوق توسعه ملی با میانگین نرخ سود ۶ درصد به متقاضیان سرمایه‌گذاری تسهیلات بانکی پرداخت شود**. بررسی‏ها و گزارشات نظارتی حاکی از وجود انحرافات جدی در اجرای این قانون به‏دليل فقدان راهبرد مشخص برای توسعه کارآفریني و اشتغال پایدار و رقابت‏پذیر در نواحي روستایي و عشایری و خلاء نظام ارزشيابي اثربخشي مناسب از عملكرد قانون است که این انحرافات عبارتند از:

* ميزان برخورداري بسيار پايين خانوارهای روستایی از اعتبارات موضوع این قانون به‏دلیل سختگیری بسیار زیاد مؤسسه‏های عامل برای پذیرش وثایق روستاییان و عدم توانایی آنها در تأمین وثایق سنگین مد ‌نظر مؤسسه‌هاي عامل برای اخذ تسهیلات به‏ویژه وام‏های نیم میلیارد تومان و بالاتر؛ این در حالی است که طبق ماده (35) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب 04/12/1393[[2]](#footnote-2) و تبصره «2» ماده (3) قانون حمایت از توسعه و ایجاد اشتغال پايدار در مناطق روستايي و عشایری با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی مصوب 31/05/1396[[3]](#footnote-3)، بانك‏ها را مکلف به تسهيل شرايط وثيقه و پذيرش اسناد روستایيان كرده است.
* طبق گزارش نظارتی سازمان برنامه و بودجه، توزيع وام‏هاي پرداختي در بين جامعه هدف، بسيار ناعادلانه بوده است. به نحوي كه تا پایان سال 1398، 3052 نفر در كشور معادل 12/2 درصد وام‏گيرندگان، به‏تنهايي 7/49 درصد از وام‏های پرداختي موضوع اين قانون را دريافت كرده‏اند. **يعني حدود دو درصد وام‏گيرندگان، به تنهايي 50 درصد وام‏هاي بالای نیم میلیارد تومان و با متوسط نرخ سود 6 درصدي كه قرار بود صرف اشتغال روستايي بشود را اخذ كرده‏اند؛** در حالي كه جامعه مخاطب قانون، از نظر تعداد سرپرست خانوار روستايي در سال 1395، **حدود شش ميليون نفر** و از نظر تعداد جمعيت فعال اقتصادي (شاغل و برخوردار از قابليت اشتغال يا بيكار) روستايي، حدود **هفت ميليون نفر** بوده است. این موضوع نشان‌دهنده این است که آحاد جامعه روستایی و عشایری بهره چندانی از این تسهیلات نبرده‏اند.

همچنین این ناعدالتی با بند «2» اصل چهل‏وسوم قانون اساسی نیز همخوانی ندارد. چراکه در بند مذکور بر **تأمین شرایط و امکانات کار برای همه** به منظور رسیدن به اشتغال کامل و از طریق **تعاونی، وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر تأكيد كرده است،** «به نحوي که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‏های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد». ولی چون سيستم بانكي كشور در طول تاريخچه خود، نوآوري‏هاي مالي از جمله تأمين مالي جمعي، تأمين مالي خرد و سرمايه‏گذاري مخاطره‏پذير را ايجاد نكرده است؛ **لذا نتيجه طبيعي چنين سيستم سنتي و ناكارآمد، توزيع ناعادلانه منابع بانكي است**.

* عدم تحقق اقتصاد دانش‏بنیان و پشتیبانی از شرکت‏های نوپا، کوچک و نوآور با توجه به پرداخت 81 درصد ارزش تسهیلات به اشخاصی با تحصیلات دیپلم و زیردیپلم و اختصاص تنها 17 درصد از اعتبارات به دانش‏آموختگان دارای مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری و فوق دکتری؛ اين در حالي است كه **سیاست‏های کلی نظام در اشتغال** (بند 3)، بر ایجاد فرصت‏های شغلی پایدار با تأکید بر **استفاده از توسعه فناوری و اقتصاد دانش‏بنیان** تأكيد كرده است.
* طول کشیدن فرایند اخذ تسهیلات از مؤسسات عامل در حدود 5/93 روز که مغاير با حداكثر 15 روز تعيين شده در جزء «3» بند «الف» ماده (27) قانون برنامه ششم توسعه و 57 روز تعیین‏شده در آیین‏نامه اجرایی این قانون است. یکی از دلایل اصلی طولانی شدن زمان و فرایند اعطای تسهیلات، تمایل مؤسسات عامل به خواب سرمایه بود.
* پایین بودن میزان پوشش بیمه اجتماعي براي شاغلان موضوع اين قانون؛ طبق آخرين گزارش وزارت تعاون، كار و رفاه اجتماعي، تا پايان سال 1398، از تعداد 134.512 نفر دريافت‌كننده تسهيلات و اشتغال 171.000 نفر بر اساس تمام‌شماري، براي 54.756 نفر (41 درصد)، بيمه اجتماعي فراهم شده است.
* عدم شبكه‏سازي و عدم حمايت از رويكرد زنجيره تأمين يكپارچه مبتني بر تشكل‏ها با توجه به سهم پايين (18 درصد) اشخاص حقوقي (اعم از شركت‌هاي تعاوني، كشت و صنعت، سهامي زراعي و ...) از وام‏هاي پرداختي تا پایان سال 1399.

**جمع‌بندي و پیشنهادها**

توسعه متوازن و یکپارچه نواحی روستایی و عشایری در گرو فراهم‏آوری الزامات آن در سطوح کلان، میانی و محلی است. ولی شواهد موجود در این گزارش نشان داد، نوعی به‏هم‏ریختگی در نظام سیاستگذاری و مدیریت توسعه روستایی، عشایری و کشاورزی به‏وجود آمده است و تا زمانی‏که این آشفتگی چاره نشود، نمی‏توان امیدی به تحقق توسعه متوازن روستایی و عشایری داشت.

بروز وضعیت بحرانی در نواحی روستایی و عشایری نظیر کاهش روزافزون جمعیت روستایی و عشایری، تخلیه روستاها، تشدید مهاجرت‏های روستا-شهری، به حاشیه رانده شدن روستاها و اولویت داشتن مناطق شهری در مجامع تصمیم‏گیری و سياستگذاري و غیره در کنار عدم تحقق مناسب اهداف و تکالیف کلیدی مربوط به حوزه توسعه روستایی و عشایری، معلول يك مشكل ريشه‏اي و بنيادين است. اين مشكل، فقدان متولی تخصصی و كارامد برای تدوین متوازن سیاست‏ها و برنامه‏های توسعه روستایی و عشایری براساس چشم‏انداز و مأموریت مشخص، رسیدگی به مشکلات و پیگیری حقوق روستاییان و عشایری از مراجع مسئول و مهم‌تر از همه نظارت میدانی بر اثربخشی و کارایی طرح‏های مربوطه است. این متولی باید با رویکرد جهادی و نگاه یکپارچه به کشاورزی و روستا، اقدامات عملی را با استفاده از ظرفیت تشکل‎‏های مردم‏نهاد و حرکت‏های خودجوش مردمی انجام ‏دهد. موضوعی که گام اول آن در جزء «3» بند «ب» ماده (27) قانون برنامه ششم توسعه با الزام دولت به ایجاد یکپارچگی در سیاستگذاری و مدیریت امور روستایی، عشایری و کشاورزی برداشته شد، ولی دولت از عمل به آن سر باز می‏زند.

بنابراین با توجه به محرز بودن تخلفات دستگاه‏های اجرایی مسئول درخصوص تکالیف اساسي مربوط به حوزه توسعه روستایی و عشایری ضرورت دارد، مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نهاد ناظر بر اجراي صحيح و كامل قوانين و مقررات، با استفاده از ظرفيت‌هاي قانوني به‌ويژه آيين‌نامه داخلي مجلس، اقداماتی درخصوص مطالبه‏گری و پیگیری استنکاف یا ترک فعل این دستگاه‏ها از عمل به تکالیف خود به‏ویژه تکالیف قانون برنامه ششم توسعه و اقدام‌هاي خلاف قانون صورت دهد. موضوعات مورد سؤال از تکالیف قانون برنامه ششم توسعه در حوزه توسعه روستایی و عشایری می‏توانند موارد زیر باشند:

1. طرح سؤال از رئيس جمهور در رابطه با عدم اجرای جزء «3» بند «ب» ماده (27) قانون برنامه ششم توسعه مبنی‏بر یکپارچه‏سازی سیاستگذاری و برنامه‏ریزی توسعه روستایی، عشایری و کشاورزی با رویکرد جهادی، با استفاده از ابزار نظارتی اصل هشتادوهشتم قانون اساسي و مواد (210) و (211) آيين‌نامه داخلي مجلس شوراي اسلامي،
2. طرح سؤال از وزير اقتصاد و امور دارايي درخصوص عدم اجراي تکلیف جزء «3» بند «الف» ماده (27) قانون برنامه ششم توسعه مبنی‏بر کاهش مدت زمان صدور مجوز بنگاه‏های اقتصادی روستایی به حداکثر 15 روز، با استفاده از ابزار نظارتی اصل هشتادوهشتم قانون اساسي و مواد (206) و (207) آيين‌نامه داخلي مجلس،
3. طرح سؤال از وزیر جهاد کشاورزی در رابطه با عدم اجرای ماده (1) قانون تشکیل وزارت جهاد کشاورزی مبنی‏بر مديريت امور عمران و توسعه روستایی و عشایری، با استفاده از ابزار نظارتی اصل هشتادوهشتم قانون اساسي و مواد (206) تا (209) آيين‌نامه داخلي مجلس شوراي اسلامي،
4. پیگیری از سازمان برنامه و بودجه در رابطه با عدم اجراي تکلیف جزء «2» بند «الف» ماده (27) قانون برنامه ششم توسعه مبنی‏بر تهیه پیوست مستقل برای اعتبارات توسعه و عمران روستایی در بودجه‏های سنواتی، با استفاده از ابزار نظارتی ماده (234) آيين‌نامه داخلي مجلس شوراي اسلامي،
5. پيگيري ابطال بخشنامه معاون اول رئیس‌جمهور به شماره 33235/48947 مبنی‏بر عدم رعايت قوانين مربوطه در تعیین معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم به‏عنوان متولی روستاها، با استفاده از ظرفيت ماده (1) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب 19/۰۷/۱۳۶۰ با اصلاحات بعدي و ارجاع به ديوان عدالت اداري جهت رسيدگي،
6. پیگیری ابطال مصوبه شماره 30937 مورخ 1/2/1399 شورای‌عالی اداری مبنی‏بر تشکیل شورای‌عالی عشایر و توسعه روستایی ذیل معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم به‏دلیل مغایرت‏های جدی قانونی، با استفاده از ظرفيت ماده (1) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب 19/۰۷/۱۳۶۰ با اصلاحات بعدي و ارجاع به ديوان عدالت اداري جهت رسيدگي،
7. تحقيق و تفحص از اجراي قانون «حمایت از توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی» مصوب 19/06/۱۳۹۶ با استفاده از ظرفيت اصل هفتادوششم قانون اساسي[[4]](#footnote-4) و ماده (212) آيين‌نامه داخلي مجلس شوراي اسلامي،

همچنين با توجه به اینکه یکی از دلایل بروز استنکاف یا اجرای ناقص تکالیف قانونی توسط دستگاه‏های اجرایی، عدم پیش‏بینی ضمانت‏های اجرایی لازم و مناسب در قوانین و مقررات و تنبيه و مجازات دستگاه‌ها در صورت ترك يا استنكاف از عمل به تکالیف مربوطه است، ضرورت دارد توجه جدی برای رفع این نقیصه توسط مجلس شورای اسلامی صورت گیرد. در این راستا، در ابتداي شروع مجلس يازدهم طرحي تحت عنوان «قانون مجازات افرادی که از اجرای قانون امتناع می کنند./ اصلاح ماده ۵۷۶ قاون مجازات اسلامی» اعلام وصول شده است كه انتظار مي‌رود با پيگيري نمايندگان محترم و رفع ايرادات و اصلاحات مدنظر، به سرانجام مشخصي برسد.

# منابع و مآخذ

1. مركز پژوهش‌هاي مجلس شوراي اسلامي، بررسي عملكرد دولت 6. حوزه توسعه روستايي و عشايري، شماره مسلسل 17497، 1400.
2. قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوب 14/12/1395 مجلس شورای اسلامی.
3. قانون تشکیل وزارت جهاد کشاورزی مصوب 06/10/1379 مجلس شورای اسلامی.
4. مصوبه شوراي‌عالي اداري در مورد تغيير عنوان شوراي‌عالي عشاير به شوراي‌عالي عشاير و توسعه روستايي به شماره ۳۰۹۳۷ مورخ 01/02/۱۳۹۹.
5. قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب 19/۰۷/۱۳۶۰ با اصلاحات و الحاقات بعدي.
6. قانون الزام دولت به توسعه متوازن روستايي مصوب 15/09/1384 مجلس شوراي اسلامي.
7. قانون انتقال قسمتی از وظایف و اختیارات وزارتخانه‌های راه و ترابری و بهداری و بهزیستی به وزارت کشاورزی و عمران روستایی و تشکیل شورای هماهنگی عمران روستایی» مصوب 21/5/1358 شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران،
8. مركز آمار ايران، پيش‌بينی جمعيت كل كشور به تفكيك استان و مناطق شهری و روستايی و برحسب جنس از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۱۵.
9. مركز آمار ايران، سرشماري نفوس و مسكن سال‌هاي 1335 الي 1395.

10. United Nations. (2019). World Urbanization Prospects, The 2018 Revision.

****

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **شناسنامه گزارش** |  | **شماره مسلسل: 17739** |
| **عنوان گزارش:** تحليل مصاديق اساسي ترك فعل و تخلفات دستگاه‏هاي اجرايي در حوزه توسعه روستايي **نام معاونت:** مطالعات زیربنایی(گروه کشاورزی)**تهیه و تدوین‌کنندگان:** حجت ورمزیاری، محسن بابائی**مدير مطالعه:** حجت ورمزیاری**همكاران:** علی دهقان بنادکی (مطالعات حقوقی)، سیدعباس پرهیزگاری (مطالعات مالیه عمومی و توسعه مدیریت)**ناظر علمی:** علیرضا رهایی**ویراستار تخصصی: ــــ****ویراستار ادبی: ــــ****واژه‌های کلیدی:**1. تخلفات
2. استنكاف
3. قانون برنامه ششم
4. C:\Users\najar\AppData\Local\Temp\17739-1.pngتوسعه روستايي
5. نظام سياستگذاري

**تاریخ انتشار: 15/6/1400** |

1. منظور از «ترك فعل» در اينجا، خودداري يا عدم انجام وظايف و تكاليف مورداشاره در قوانين و مقررات، توسط افراد يا دستگاه‌هاي اجرايي مسئول است. [↑](#footnote-ref-1)
2. . ماده (35): «بانک‏ها مکلفند اسناد رسمی اراضی کشاورزی محل اجرای طرح‏های کشاورزی و صنایع تکمیلی کشاورزی و اسناد منازل روستایی و عشایری را به‏عنوان وثیقه وام و تسهیلات بخش کشاورزی و روستایی بپذیرند». [↑](#footnote-ref-2)
3. . تبصره «2» ماده (3): «بانک‏های عامل و صندوق‏های مذکور در این قانون موظفند جهت تسهیل پرداخت تسهیلات مذکور از انواع تضامین شامل سند منازل مسکونی روستایی، سند زمین کشاورزی، سند واحدهای دامپروری و تجاری در روستاها و نواحی صنعتی، سفته دریافت نمایند که ارائه آن توسط روستاییان و عشایر امکانپذیر باشد». [↑](#footnote-ref-3)
4. . اصل هفتادوششم: مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. [↑](#footnote-ref-4)